

آزادی در اندیشه امام خمینی(ره)

۱. امروزه آزادی در کنار مفاهیمی مانند جامعه مدنی و دموکراسی و نیز نحوه تعامل آن‌ها با دین، به مهم‌ترین سؤال و مشغله موجود در حوزه اندیشه سیاسی این مرز و بوم مبدل شده‌اند. بی‌تردید، آزادی در مفهوم امروزی‌اش، مفهوم جدیدی است که سابقه‌ای در تاریخ اندیشه دینی ندارد؛ به‌دیگر سخن، ما نمی‌توانیم برای تحلیل چنین واژه‌ای از واژگان اختیار و یا حریت استفاده کنیم.

آزادی فلسفی تحت عنوان اختیار و تفویض در مقابل جبر، از مباحث دیرین کلام و فلسفه اسلامی است. آزادی عرفانی که رهایی از تعلقات دنیوی است نیز در اندیشه عرفانی مسلمانان، سابقه‌ای طولانی دارد و بیش‌تر با عنوان حریت و آزادی مورد توجه قرار می‌گیرد. آزادی حقوقی با عنوان حرّ در مقابل عبد نیز گرچه در فرهنگ اسلامی، جایگاه اصیلی ندارد، اما با توجه به وجود (عبید) و (اماء) در عصر تشریح، مباحث متعددی را در آثار فقهی به خود اختصاص داده است.

البته ممکن است کسی در تحلیل مفهوم آزادی، آن را مبتنی و یا حتی متأخر از

اختیار قرار دهد و با انجام اصلاحاتی، روایتی اسلامی از آن، ارائه کند، لکن نمی توان بین آزادی در مفهوم فلسفی آن و آزادی در مفهوم مدرن و تجویزی اش، تلازمی منطقی برقرار کرد. بوده اند عالمانی که با قبول مبنای فلسفی جبر و یا شبهه جبر، از جهت سیاسی، آزادی خواه شده اند (نظیر مرحوم آخوند خراسانی در نهضت مشروطیت) و یا این که با نفی چنین مبنایی و طرفداری از اختیار تکوینی آدمی، این گونه آزادی های اجتماعی و سیاسی را موجب هدم دین دانسته اند (نظر شیخ فضل الله نوری).

۲. دیدگاه امام خمینی در باب آزادی در واقع بازتابی از روایت ایشان از واقعیت و نه مفهوم آزادی در مغرب زمین و نیز واکنشی در قبال وارداتی بودن این پدیده در ایران است. به عقیده امام، آزادی به مفهوم امروزی، مفهومی جدید دارد که از دوران مشروطه به این سو وارد کشورمان شده و صبغه بومی و اسلامی ندارد. این که آزادی در غرب چه تعاریفی دارد و در چه مفهومی به کار می رود، اجزا و عناصر تشکیل دهنده آزادی در دستگاه فلسفی غرب چیست؟ سؤال هایی است که ایشان دغدغه پاسخ گفتن به آن ها را نداشته است آن چه امام خمینی را وامی

داشت تا به نقد آزادی بپردازد ورود برخی از نمادهای فسادانگیز آزادی به ایرانی بود که خود در ذیل مستبدترین دولت، توان نفس کشیدن نداشت. نمادی از آزادی که نه با هویت ایرانی سازگاری داشت و نه هم با هنجارهای دینی تطابق می کرد. از این رو، امام خمینی با کشاندن این پدیده به حوزه بایدها و نبایدهای اخلاقی و دینی، تلاش نمود تا در چهارچوب شریعت به آزادی مفهومی جدید بخشد و از معایب وارداتی آن جلوگیری نماید.

الف - روایت امام خمینی از مسئله آزادی در غرب

نگاه منتقدانه امام خمینی به آزادی در غرب مبتنی بر سه جزء است:

اولاً: آزادی در غرب (مخالف سنن انسانی) و (مخالف با اخلاق) است و در حصار

محدود کننده قواعد و قوانین قرار نمی گیرد. ۱

ثانیاً: اگر چیزی به نام آزادی هم وجود داشته باشد، صورتی صرف است و

عینیتی ندارد، چرا که نفی آزادی در هر دو شعبه مدرنیسم (مارکسیسم و

لیبرالیسم) در قالب های دیکتاتوری حزب کمونیست و استبداد نژاد پرستانه

اکثریت وجود دارد، به گفته امام خمینی:

(همان هایی که ادعای کمونیستی و کذا می کنند خود آن ها از همه قلدرتر و از همه دیکتاتورترند و ملت هایشان را به بند کشیده اند، آزادی در آن ممالک نیست برای کسی. همان طوری که در ممالک غربی هم آزادی نیست. اگر آزادی باشد این سیاه های بیچاره، چه کرده اند که این طور تحت فشارند.)^۲

ثالثاً: این به مفهوم نادیده گرفتن عناصر یا مصادیق مفید آزادی در غرب نیست، آزادی بیان، آزادی انتخاب و آزادی قلم از محسنات آزادی در آن دیار است، که سوگمندانہ اجزای نامطلوب دیگر آن به کشورمان وارد شده است.

(غرب به ما چیزی نمی دهد که مفید باشد، دارد چیز مفید اما به ما نمی دهد، صادر نمی کند، آنی که به ما صدر می کند آن چیزهایی است که مملکت های ما را به تباهی می کشند. این طور نیست که همین آزادی که در ایران در زمان پدر و پسر وارد کردند، این آزادی باشد که در غرب هست. یا این دموکراسی که ادعا می کنند و در ایران هم تعقیب می کنند... آزادی که برای ایران و برای ممالک شرقی آن ها تحویل داده اند، عبارت از آزادی در اموری است که موجب تباهی ملت ما و جوان

ب - نقد امام خمینی بر مسئله آزادی در ایران دوره پهلوی

ب ۱. ویژگی بارز آزادی در ایران عصر پهلوی (وارداتی) یا (استعماری) بودن آن

است. این نوع از آزادی که رسماً از دوره رضاشاه وارد ایران شد در واقع تجزیه

آن کلیتی از آزادی بود که در مغرب زمین جریان داشت. به تعبیر امام:

(نه مردها آزاد بودند در زمان ایشان، نه زن ها و نه مطبوعات و نه رادیو و نه

هیچی، آزادی در کار نبود، اسم، صحبتش و تبلیغتش زیاد بود. آن آزادی هم که

آن ها می خواستند برای مملکت ما آن آزادی است که هم جوان های پسر ما را و

هم جوان های دختر ما را به تباهی می کشد. آن آزادی را آن ها می خواهند که من

از این تعبیر می کنم به آزادی وارداتی، آزادی استعماری یعنی یک آزادی که در

ممالکی که می خواهند وابسته به غیر باشد، این آزادی ها را سوغات می

آوردند... آن طوری که می گفتند از تهران تا آخر شمیران صدها محل فساد به

بدترین فسادها [بود] این ها آزاد اما قلم نه، بیان هم نه، آن آزادی که آن ها می

گفتند... این معنا بود که مشروب فروشی بیش تر از کتاب فروشی باشد و مراکز

فحشا بیش تر از مراکز علم باشد.) ۵

ب ۲. هر چند نمادهایی از آزادی نیز پیش از به قدرت رسیدن خاندان پهلوی، در

قانون اساسی مشروطه منعکس گردید، لکن هیچ گاه به آن ها عمل نشد و در

پروسه مدرنیزه کردن ایران به نمادهای دیگری از آزادی بها داده شد که به تعبیر

حضرت امام ریشه در فرهنگ اسلامی ایران نداشت:

(ما حرفمان این است که به قانون اساسی عمل بکنید، مطبوعات آزادند، قلم آزاد

است، بگذارید بنویسند مطالب را اگر دین دارید به دین عمل کنید. اگر چنان چه

دین را ارتجاعی می دانید به قانون اساسی عمل کنید. ۶ قانون اساسی مطبوعات

را آزاد کرده است شما آزاد نمی کنید ۷ قدرت آزادی دادن ندارید، الخائن خائف.) ۸

ج - امام خمینی و مفهوم آزادی

ج ۱. آزادی فلسفی: در اندیشه کلامی و سیاسی امام خمینی آزادی به دو معنا به

کار رفته است: آزادی فلسفی یا توصیفی. به بیان دیگر، اختیار (Free-Will) و

آزادی حقوقی یا تجویزی (omFreed) آزادی فلسفی در نظر امام، مبتنی بر

تحلیلی است که ایشان در کتاب (طلب و اراده) درباره ماهیت انسان مطرح نموده

اند. مهم ترین موضوعی که در تحلیل ماهیت انسان در بین متکلمین اسلامی رواج

دارد مجبور بودن یا مختار بودن آدمی است. دیدگاه امام در این باره، همان تفسیر

معروف امامیه از جمله مشهور (بل الامر بین الامرین) است که در آن انسان در

جایگاهی بین جبر و اختیار قرار دارد. در واقع ایشان نظر اشاعره مبنی بر مجبور

بودن آدمی را (پایمال کننده حق آفریدگان) و نظر معتزله مبنی بر تفویض را

(شکرک به خدا) می داند.

(در تمام هستی و دار تحقق، فاعل مستقلی به جز خدا نیست و دیگر موجودات

همان گونه که در اصل وجود مستقل نیستند بلکه ربط محض اند و وجودشان

عین فقر و تعلق است و ربط و احتیاج صرفند، صفات و آثار و افعالشان نیز

استقلالی نیست. صفاتی دارند و دارای آثاری هستند و کارهایی انجام می دهند

ولی در هیچ یک از این ها استقلال ندارد... آیه مبارکه: (وما تشاؤون الا ان یشاء

الله... می فرماید شما نخواهید خواست مگر آن که خدا بخواهد که در عین حالی که مشیت را برای خلق اثبات می فرماید وابستگی آن را به مشیت الهی بیان می کند، نه این که بخواهد بگوید که دو چیز دارای تأثیر باشند: مشیت خلق و مشیت خالق و یا این که به طور اشتراک مؤثر باشند، بلکه به گونه ای است که مشیت [انسان] ممکن ظهور مشیت خدا و عین ربط و تعلق به مشیت خداست. ۹

ج ۲. آزادی حقوقی یا تجویزی: در حالی که آزادی فلسفی به بحث از وجود اراده و اختیار در نهاد آدمی مربوط می شود و بحث درباره (وجود و عدم) است؛ آزادی حقوقی به تجویز آزاد گذاشتن انسان در تصمیم گیری و کنش می پردازد و بحثی درباره (باید و نباید) است. ۱۰. پیش از آن که به بررسی دیدگاه امام خمینی درباره آزادی تجویزی پردازیم بیان دو نکته ضرورت دارد:

اول این که ابهام و تنوع تعاریف آزادی که به قول (آیزایا برلین) به دو است تعریف می رسد ۱۱ می تواند دیدگاه های اشخاص را با ابهام مواجه سازند. دوم این که حضرت امام درباره این نوع از آزادی، بحث منسجم و یک دستی ارائه

ننموده است. از این رو نباید از ایشان، توقع ارائه تعریفی جامع و مانع داشت. با

این همه با عنایت به سؤال های خبرنگاران خارجی به ویژه سؤال های (اورینا

فالاجی)، خبرنگار معروف ایتالیایی، می توانیم تعریف امام از آزادی را نقل کنیم.

امام خمینی در پاسخ نامبرده که از ایشان خواستار ارائه یک تعریف ساده از

آزادی می شود می فرماید:

(آزادی یک مسئله ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده شان آزاد است،

کسی الزامشان نمی کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی الزام

به شما نمی کند که حتماً باید این راه را بروید کسی الزام به شما نمی کند که باید

این را انتخاب کنی، کسی الزامتان نمی کند که در کجا مسکن داشته باشی یا در آن

جا چه شغلی را انتخاب کنی. آزادی یک چیز واضحی است.) ۱۲

این تعریف با تعریف (روسو) از آزادی که (آزادی را حکومت بر خود می داند.)

نزدیک است. تعریف جان لاک نیز شبیه به تعریف فوق است، وی آزادی را قدرتی

می داند که انسان برای انجام دادن یا احتراز از عملی خاص از آن برخوردار است،

به نظر می رسد تعریف فوق تنها به تبیین معنای لغوی آزادی پرداخته است و از

قیود آزادی سیاسی و اجتماعی زکری به میان نیاورده است. در حقیقت تعریف ساده فوق، همان تعریفی است که حضرت امام در آزادی فلسفی (ان شاء فعل و ان شاء ترک) ارائه نمود. لکن با توجه به این که ایشان در مصاحبه های دیگری، تعریف فوق را تکمیل و قیود و حدود سیاسی و اجتماعی متنوعی برای آن مطرح کرده است، هم چون کانت که معتقد بود (آزادی، استقلال از هر چیز است سواى قانون اخلاق) و یا ارسطو که می گفت: (آزادی یعنی قبول قوانین دولت های مختلفی که به تناوب حکومت می کنند). آزادی را به حوزه ای از عدم مداخله ها گسترش می دهد که دو مرز دارد: اول عدم اخلاق به مبانی دینی و دوم عدم اخلاق به دولت و نهادهای مدنی. ۱۳.

(معنای آزادی این نیست که کسی بخواهد توطئه کند یا حرف هایی را بزند که شکست ملت است، شکست نهضت است. این آزادی نیست. در چارچوب این نهضت انقلاب اسلامی همه مردم آزاد هستند. کسانی که حرف دارند حرف هایشان را می زنند حتی هر فرقه ای هم که باشند. اما اگر بخواهند توطئه کنند و بخواهند اسلام را بشکنند، بخواهند نهادهایی را که الآن مشغول فعالیت اسلامی

هستند این ها را بشکنند همچو چیزی نمی شود. ۱۴)

بدیهی است که تعریف اخیر امام از آزادی قابل توسعه و توضیح است. در واقع مفاهیمی هم چون توطئه، شکست نهضت و نهادهای مدنی، تفسیرها و قرائت های مختلفی به خود می گیرند که باید با جست و جو در سیره عملی و بیانات تفصیلی ایشان، به دیدگاه امام خمینی نزدیک گردید.

د - امام خمینی و ارزش آزادی

به عقیده امام خمینی آزادی (حق اولیه بشر) است که در همان آغاز خلقت به او عطا شده است. آزادی که همواره امام از آن به (نعمت بزرگ الهی)، (هدیه آسمانی) و (امانت الهی) یاد می کند (امتیاز) به حساب نمی آید تا دولتی آن را اعطا و یا احیاناً پس بگیرد. آزادی حقی است همانند حق حیات که آدمی قبل از تشکیل جامعه و دولت از آن برخوردار است و دولت نیز موظف به پاسداری از حریم آن است.

(مملکت ما امروز قیام کرده است و این قیام، قیامی است که همه موظفیم دنبالش

برویم... منطقی است که بشر باید دنبالش کند. این ها دارند حقوق اولیه بشریت

را مطالبه می کنند، حق اولیه بشر است که من می خواهم آزاد باشم، من می

خواهم حرفم آزاد باشد. ۱۵ این چه وضعی است که در ایران هست؟ این چه آزادی

است که اعطا فرموده اند آزادی را؟ مگر آزادی اعطا شدنی است؟ خود این کلمه

جرم است، کلمه این که اعطا کردیم آزادی را، جرم است. آزادی مال مردم است...

آزادی اعطایی که آزادی حقیقتاً نیست. ۱۶

نکته مهم آن است که امام خمینی با استناد به حقوق بشر اذعان می دارد: حقوق

بشر می گوید که همه افراد یک ملت آزادند در این که عقایدشان را بگویند، ۱۷ این

که (این ملت و هر ملتی حق دارد خودش تعیین کند سرنوشت خودش را، این از

حقوق بشر است که در اعلامیه حقوق بشر هم) آمده است. ۱۸

هـ - امام خمینی و انواع آزادی

هـ ۱. آزادی اجتماعی: هم چنان که قبلاً گفته شد آزادی تجویزی نزد امام خمینی

به حوزه ای از عدم مداخله ها تعلق دارد که دارای مرز و حدودی است. اما این که

کلیت و اجزای این حدود چگونه تعیین می شود؟ نیازمند مراجعه به سخنان و آثار ایشان است.

۱. آزادی بیان و عقیده: یکی از مهم ترین موارد در آزادی های سیاسی و اجتماعی، آزادی سیاسی و بیان و احیاناً نشر آن است. چرا که آزادی های ماقبل بیان، مانند آزادی تفکر و اندیشیدن، در برخی از موارد غیر اختیاری است و از سوی دیگر امکان اطلاع یافتن و جلوگیری کردن از آن هم وجود ندارد، مادام که به صورت بیان یا نوشتار در جامعه پخش نگردد.

در اندیشه سیاسی امام خمینی، (اظهار عقیده و آزادی بیان) برای کلیه افراد، گروه ها و احزاب سیاسی مجاز است و این تجویز اختصاصی به طرفداران نظام اسلامی ندارد. در سخنی از ایشان، در جمهوری اسلامی، اقلیت های مذهبی و حتی کمونیست ها نیز در بیان عقاید خود آزادند. آن چه که حدود و ثغور چنین نمادی از آزادی را معین می کند همان (به خطر نیفتادن مصالح ملت) است. امام در پاسخ به این سؤال که: در مورد آزادی بیان و عقیده، شما چه حدودی را در

نظر دارید؟ آیا فکر می کنید باید محدودیت هایی قائل شد یا نه؟ فرمود:

(اگر چنان چه مضرّ به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است، چیزهایی آزاد

نیست که مضرّ به حال ملت ما باشد.) ۲۰

و در جایی در پاسخ به این پرسش که آیا فکر می کنید که گروه های چپ و

مارکسیست آزادی فعالیت خواهند داشت؟ افزود:

(اگر مضرّ به حال ملت باشد جلوگیری می شود، اگر نباشد و فقط اظهار عقیده

باشد مانعی ندارد همه مردم آزادند مگر حزبی که مخالف با مصلحت مملکت

باشد.) ۲۱

هـ-۲. اقلیت های مذهبی: در اندیشه امام خمینی، اقلیت های مذهبی اعمّ از

(زرتشتی، یهودی، نصاری و سنی) ۲۲، (برادران ایمانی ما هستند) ۲۳ و در (اجرای

آداب دینی و اجتماعی خود آزادند.) ۲۴، (حکومت اسلامی نیز موظف است از حقوق

و امنیت آن ها حمایت کند.) ۲۵ آنان جملگی ایرانی اند و همانند هر ایرانی دیگر از

(حق تعیین وکیل، حق رأی، حق اظهار بیان و عقیده) ۲۶ برخوردارند.

هـ ۳. آزادی زنان: به عقیده امام خمینی، اولاً: از نظر (حقوق انسانی، تفاوتی بین

زن و مرد نیست، چرا که هر دو انسان اند) ۲۷ از این رو، زن همانند مرد از حق

آزادی برخوردار است؛ ثانیاً: از آن جا که (عنایت اسلام نسبت به زن بیش تر از

مرد است) ۲۸ زنان حقوق گسترده تری دارند. (حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت،

حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن) ۲۹ از جمله

حقوق مسلمی است که برای زنان ثابت است؛ ثالثاً: آزادی زن تنها در جایی

محدود می گردد که (زن به ملعبه مردان) ۳۰ مبدل گردد و حرام و مفسده در جامعه

گسترش یابد.

(اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام

ابعاد وجودی زن است.) ۳۱

هـ ۴. آزادی مطبوعات: امام معتقد بود مطبوعات می توانند با طرح نظرات افراد

و گروه ها، به تقویب نظام همت گمارند، چرا که (امور سیاسی بی مباحثه به

مقصد نمی رسد.) ۳۲ لسان مطبوعات باید (لسان نصیحت) ۳۳، (لسان انتقاد) باشد.

مرز آزادی مطبوعات (تضعیف جمهوری اسلامی)، (توطئه علیه انقلاب) و
(انتقام) ۳۴ است.

(آزادی قلم و آزادی بیان معنایش این نیست که کسی بر ضد مصلحت کشور
قلمش آزاد است که بنویسد. برخلاف انقلابی که مردم خون پایش داده اند،
بنویسد. همچو آزادی صحیح نیست، قلم آزاد است که مسائل را بنویسد لکن نه
این که توطئه بر ضد انقلاب بکند... ما برای مطبوعاتی احترام قائل هستیم که
بفهمد آزادی بیان و آزادی قلم یعنی چه.) ۳۵

ه ۵. انتخابات: چنان که قبلاً اشاره شد امام خمینی انتخاب کردن و یا انتخاب
شدن را از حقوق اولیه انسان می داند. از این رو، آدمی آزاد است تا در (محیطی
آزاد) و (بدون هیچ گونه فشار، زور، تهدید و تطمیع) ۳۶ در انتخابات شرکت
جوید.

(همان طور که بارها گفته ام مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و
هیچ فرد و یا گروه و دسته ای، حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارد.

جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته اند و به این بیعت و این پیمان بزرگ وفادار مانده اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند. البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است.) ۳۷

از این رو حکومت آرمانی امام خمینی، حکومتی است که اولاً: ماهیتاً مانع آزادی های مدنی مردم نباشد؛ (نفی سلطنت) و ثانیاً: به چنین آزادی هایی، در چهارچوب حقوق بشر و شریعت اسلام احترام گذارد و از آن ها محافظت نماید (جمهوری اسلامی).

۲. آزادی فردی یا حریم خصوصی (Individual Space): فرمان هشت ماده ای امام خمینی که در مورخه ۶۱/۹/۲۴ خطاب به قوه قضائیه و تمام ارگان های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها، صادر شد، در واقع منشور آزادی های انسان در حریم شخصی است. ایشان در این فرمان با تأکید بر این که (حال فعلی اشخاص با غمض عین از بعضی لغزش هایی که در رژیم سابق داشته

اند) فرمود:

(- هیچ کس حق ندارد کسی را بدون حکم قاضی که از روی موازین شرعیه باید باشد توقیف کند یا احضار نماید. هر چند مدت توقیف کم باشد. توقیف یا احضار به عنف جرم است و موجب تعزیر شرعی است.

- هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق ثبوت حکم از نظر شرعی.

- هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام این ها جرم و

گناه است و بعضی از آن‌ها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ

است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و

بعضی از آن‌ها موجب حد شرعی می‌باشد.)

و در ادامه به محدوده این آزادی اشاره کرده و فرمودند:

(آنچه ذکر شد و ممنوع اعلام شد، در غیر مواردی است که در رابطه با توطئه‌ها

و گروهک‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی است که در خانه‌های امن و

تیمی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و ترور شخصیت‌های مجاهد و مردم

بی‌گناه کوچک و بازار و برای نقشه‌های خراب‌کاری و افساد فی الارض اجتماع

می‌کنند و محارب خدا و رسول می‌باشند، که با آنان در هر نقطه که باشند و هم

چنین در جمیع ارگان‌های دولتی و دستگاه‌های قضائی و دانشگاه‌ها و دانشکده

ها و دیگر مراکز با قاطعیت و شدت عمل ولی با احتیاط کامل باید عمل شود، لکن

تحت ضوابط شرعی و موافق دستور دادستان‌ها و دادگاه‌ها، چرا که تعدی از

حدود شرعی حتی نسبت به آنان نیز جایز نیست، چنان‌چه مسامحه و سهل

انگاری نیز نباید شود. و در عین حال مأمورین باید خارج از حدود مأموریت که

آن هم منحصر است به محدوده سرکوبی آنان حسب ضوابط مقرر و جهات شرعیه، عملی انجام ندهند. و مؤکداً تذکر داده می شود که اگر برای کشف خانه های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار کسی وارد شدند و در آن جا با آلت لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدره برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند، چرا که اشاعه فحشا از بزرگ ترین گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید. فقط باید به وظیفه نهی از منکر به نحوی که در اسلام مقرر است عمل نمایند و حق جلب یا بازداشت یا ضرب و شتم صاحبان خانه و ساکنان آن را ندارند و تعدی از حدود الهی ظلم است و موجب تعزیز و گاهی تقاص می باشد. و اما کسانی که معلوم شود شغل آنان جمع مواد مخدره و پخش بین مردم است، در حکم مفسد فی الارض و مصداق ساعی در ارض برای فساد و هلاک حرث و نسل است و باید علاوه بر ضبط آن چه از این قبیل موجود است آنان را به مقامات قضائی معرفی کنند. و هم چنین هیچ یک از قضات حق ندارند ابتدائاً حکمی صادر

نمایند که به وسیله آن مأموران اجرا اجازه داشته باشند به منازل یا محل های کار افراد وارد شوند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه های دیگر علیه نظام جمهوری اسلام، که صادر کننده و اجرا کننده چنین حکمی مورد تعقیب قانونی و شرعی است.(۳۸)

امام خمینی در بحث ولایت فقیه نیز بین مسائل اجتماعی و حریم شخصی افراد تمایز قائل می شود و زندگی خصوصی افراد را مشمول گستره ولایت فقیه نمی داند.

(در جنبه های مربوط به حکومت تمامی آن چه در اختیار رسول الله و امامان پس از او - صلوات الله علیهم اجمعین - بوده، در اختیار فقیه عادل است... ولی اگر برای پیامبر و امامان معصوم(ع) ولایتی نه از جهت حکومت ثابت بشود [این ولایت برای فقیه] ثابت نیست. پس اگر معتقد شویم که معصوم ولایت بر طلاق همسر مرد یا فروش مال او یا گرفتن آن را دارد حتی اگر مصلحت عمومی هم چنین اقتضا نکرده باشد این ولایت برای فقیه ثابت نیست.)